یکصد خاندان حکومتگر ایران (خاندان اتابیک)

قاسمی، ابوالفضل

دیدیم که پسر بزرگ امین السلطان‏1و برادر علی اصغر اتابک(محمد علی امین‏ حضرت)بود.این برادر بعکس پدر روح وارستگی داشت کمتر نامش آلوده ببدی شده‏ است از او فرزندان چندی باقی ماند که معروفترین آنان:غلامعلی امین حضرت،ابو الفتح‏ اتابکی هستند.

مهندس کریم اتابکی که از افراد برجسته حزب ایران نوین بشمار میرفت پسر ابو الفتح‏ اتابکی است سایر برادران نامدار علی اصغر اتابک:آقا محمد حسن،مصطفی وکیل الدوله، محمد قاسم وکیل السلطنه هستند.

وکیل السلطنه روابطش با برادر خیلی نزدیک و خوب بود و پستهای گوناگونی یافت.

مدتی رئیس اداره شترخانه و قاطرخانه و تخت‏خانه،رئیس عمله و دواب،رئیس‏ خواروبار شاهی می‏بود.جرج چرچیل در کتاب خود او را جزو شخصیتهای معروف و سرشناس‏ ایران و دارای مشاغل نسبتا مهم در دربار می‏نویسد و سپس می‏افزاید:وکیل السلطنه‏ دو پسر خود را برای تحصیل به مسکو فرستاد.

وکیل السلطنه بعد از عزل برادر خود را به مشروطه‏طلبان نزدیک می‏کند و به عضویت‏ انجمن سری آدمیت درمی‏آید2.

(1)-روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه 526،تاریخ رجال ایران جلد 3 صفحه 418-417 تاریخ بندر عباس و خلیج فارس صفحه 254-251

(2)-خاطرات سیاسی امین الدوله 240-103

محمد صادق اتابکی(عز السلطان)و منوچهر اتابکی فرزندان او هستند.

امین السلطنه،محمد علی

محمد علی اتابکی از سوی پیوند سببی و ازدواج با خواهر و سپس دختر اتابک جزء این خاندان می‏شود بسال 1288 ق.به امین السلطنه ملقب می‏گردد.بخاطر این امانت‏ داری شاهی در امور مالی و پولی بترقیات زیادی نایل می‏گردد.

امین السلطنه مانند بیشتر افراد سرشناس خاندان اتابکی ابتدا بعنوان غلام‏بچه و پیشخدمت وارد اندرون شاهی می‏شود،سپس بجای علیرضا خان قاجار(عضد الملک) غلامباشی می‏گردد و بتدریج عهده‏دار مشاغل:زیندارباشی،جامه‏دارباشی،مستوفی‏ ذخایر قشونی و خزانه‏دار مخزن تدارکات ارتشی،صندوقدارباشی،رابط بین شاه و وزیران و مجلس شورای کبیر دولتی می‏گردد و به پست وزارت بقایا میرسد.در سفرهای‏ اول و سوم ناصر الدین شاه به اروپا ملتزم رکاب بود.وی مردی بی‏سواد و عامی بود شاید هم بجهت همین ساده‏لوحی نتوانسته پوششی بر روی کارهای؟؟؟ امین السطان اول و دوم ماسک فریبنده داشته باشد.

وی بخاطر پستهای مالی و خدماتی و اموالی که داشت و علاوه‏بر این مداخل خوبی‏ عاید او میشد در اندک مدت مرد متمکن می‏شود بنوشته اعتماد السلطنه که گویا با او میانه‏ خوبی هم نداشت مداخل سالانه او در سال 1308 سی و چهل هزار تومان می‏نویسد.

پس از برکناری از کار،سخت مورد اتهام وی حیف‏ومیل جواهر و عتیقه‏جات و آثار استانی و کتابهای بهادار و خطی می‏شود ولی گویا این عمل بیشتر بر اثر ناتوانی او در کارها بوده است مظلمه‏ها بیشتر به گردن او و زرها زیادتر گیر رنود می‏افتد.

حاج امین السلطنه مرد متظاهرمذهبی بود؛به مکه رفت برای قبور ائمه ضریح درست‏ می‏کرد بقول اعتماد السلطنه صدای تلاوت قرآنش بلند بود ولی از اخاذی و دست‏اندازی‏ به بیت المال و همبارگی ابا نداشت اعتماد السلطنه در این مورد می‏نویسد:(...امین‏ الملک مرا به منزل خودش دعوت کرد به حلیم به اصرار آنجا رفتم،امین السلطنه حلیم را با شکرآب کرده می‏خوردند پرسیدم چرا گفتند قند حرام است بعد از ناهار منزل می‏آمدم‏ دو طفل ماه‏پیکر منزل امین السلطنه دیدم پرسیدم آدم کی هستند به خنده گفتند از آن‏ امین السلطنه معلوم شد در طریقه ایشان لواط حرام نیست اما خوردن قند حرام لعنت‏ باین مخلوق باد.)

تحریم قند از سوی بعضی از پیشوایان مذهبی می‏بود آن هم وقتی در کارخانه قند کهریزک قند درست شد از اینجهت تحریم گردید تا امین الدوله ورشکست شود دگربار ما قند از خارج وارد کنیم.

خازن الدوله پسر بزرگ امین السلطنه می‏بود که چون جوانی بی‏بندوبار و خوشگذاران‏ بود مال پدرم را همه از بین برد وی تیولدار جزایر قشم و خمیر در خلیج فارس بود. سدید السلطنه کبابی نویسنده تاریخ بندر عباس و خلیج فارس درباره نحوه تصرف این نقاط می‏نویسد:مصلحت نیست که از پرده بیرون افتد راز1.

امین الملک،اسماعیل

اسماعیل امین الملک پسر محمد ابراهیم امین السلطان اول برادر امین السلطان دوم‏ (اتابک)در 1284 ق(1867 م)پا بجهان می‏گذارد ابتدا او را به فراگرفتن علوم‏ دینی می‏گمارند تا کمبود قدرت خاندان اتابک در میان ملایان جبران شود،ولی اندکی‏ بعد عمامه به کلاه تبدیل می‏شود امین الملک وارد کارهای درباری و سیاسی می‏گردد.

در 1290 رئیس اداره خزانه در 1300 وزیر ضرابخانه و خزانه و گمرک و رئیس موزه‏ و ابنیه دولتی و اندرون و بیوتات سلطنتی و اداره غلات و اداره ایلات دار الخلافه و سپس‏ وزیر دربار می‏شود.

در 1301 وزیر مالیه در 1303 عضو دار الشورای کبیر،در(1310-1314)، مسئول همه ادارات گمرک امین الملک بعکس برادر بزرگتر خود(محمد علی بن حضرت)مورد توجه و اعتماد کامل اتابک می‏بود،در مسافرت شاه به اروپا به نیابت صدارت عظمی‏ تعیین گردید،در همه امور و همه‏جا دستیار و نماینده و نایب و معاون اتابک بود،کارها بخصوص امور مالی را با شراکت برادر فیصل میداد از اینرو در اندک مدتی ثروت و مکنت‏ هنگفتی بیندوخت،جرج چرچیل در کتاب خود از دارائی زیاد او یاد می‏کند،(بامداد) او را از متمولترین اشخاص عصر خود می‏نویسد.امین الدوله نخست دزدی او را پس از مرگ پدر،بالا کشیدن هفتاد هزار تومان که بپول امروز میلیونها می‏شود می‏نویسد که امین‏ الملک این وجوه مالیاتی و گمرکی را می‏بلعد.در واقعه رژی و انتقاد مخالفان از اتابک و دستگاه در شب نامه‏های منتشره نیز امین الملک را متهم می‏کنند حقوق نوکران دولت‏ را می‏خورد و از اینراه تمول سرشاری بدست آورده است،نظیر همین نظریه را اعتماد السلطنه در یادداشت روز 29 محرم 1306 یادآور می‏گردد.

وقتی در ابتدای پادشاهی مظفر الدینشاه،اتابک از کار برکنار می‏شود میزا علیخان‏ امین الدوله امین الملک را بجهت سوءاستفاده‏هائیکه در مدت چهار سال شده بود مورد تعقیب قرار میدهد ولی عمر کوتاه صدارت امین الدوله مجال رسیدگی بحساب برادر اتابک‏ نمیدهد.اندکی بعد دگربار اتابک به صدارت بازمیگردد،برادرش نیز با نیروی جدید و آز و هوس بیشتر به غارت بیت المال می‏پردازد.

(2)-روزنامه شرافت 1315

بقیه در صفحه 57

از قبول استدعای انها شدند ولی شکر خدا را آنها هم منصرف از مستد عیادت خود نشده‏اند با علیل و پیری و شکستگی جلای وطن نموده در بقعه مبارکه متحصن شده و اصلا دولت‏ اعتنا بگفتار آنها اعمال آنها نکرده است.افسوس افوسوس که بعد از یکسال استدعا مشاهده‏ صد نوع از خفت و حقارت و بی‏اعتنائی آیه مبارکه قرآن و خرابی مملکت و رعیت حالا تازه‏ حاجی میرزا لطف الله و آخوند جدید الاسلام واسطه اصلاح میشوند آنهم به قول نه فعل و یا آقازادگان جوان بی‏تجربه مصلحت‏گذار پدرهای پیر سالخورده میشوند.خوب است آقازادگان‏ صلاح بین پدران خود نشوند تا بیچاره‏ها موفق شوند به نصرت شریعت مطهره شهد الله و کفی بالله که ما مسلمانان بجهت هجرت آقایان آسایش نداریم یک غذای گوارا نمیخوریم‏ یک خواب راحت نداشته‏ایم و از بدل مال و جان هم مضایقه نداریم چنانچه تاکنون هم‏ مضایقه نکرده‏ایم ولی خوب بود در عریضه مستدعیات ذکر تعدیات حکام میشد،ذکر ندادن مواجب سرباز میشد،ذکر رفع تمبر تومانی پانزده شاهی میشد،ذکر افتتاح باب‏ عرایض خیرخواهانه بحضور مبارک اعلیحضرت شاهانه میشد،ذکر رفع احتکار گندم میشد، ذکر قدغن بردن برنج و روغن بخارجه میشد،ذکر جلوگیری از تعدیات قنسولها و وزیرمختارهای در خارجه از این رعایای بیچاره میشد نه بآن نحوی که نوشته شده است.

درهرحال این توفیق را از جانب خدا بجهت خود بدانید که نام آن انوار مقدس‏ به حمایت ملت و خواستن عدالت در دفتر روزگار ثبت شده حفظ این مقام منیع راباید بقیه در صفحه 61

بقیه از صفحه 50

اسماعیل امین الملک مکرر به دریافت القاب و خلعت‏ها و نشانها و تمثال و سمسه‏ مرصع از سوی دو پادشاه نایل می‏گردد.

امین الملک به بیماری مهلکی دچار می‏گردد در 32 سالگی پنجشنبهء ذی حجه 1316 (1899 م.)درمیگذرد.

از امین الملک دو فرزند سرشناس باقی میماند یکی عیسی که در(1307 ق.) 1809.لقب پدر را بدست میآورد،به امین الملک معروف می‏شود.و دیگری موسی و معروفی‏ پدر جواد معروفی یکی از استادان موسیقی ایران است.